

نزول یکباره قرآن و بنیان گذاری قراءت

محسن رجبی

«علم نزول قرآن»، یکی از رشته های بنیادین و بااهمیت انواع علوم قرآنی است، که با انواع دیگری همانند «قراءات»، «علم تأویل»، «ظاهر و باطن»، «علم محکم و متشابه»، «علم ناسخ و منسوخ»، «علم اسباب نزول»، «زبان قرآن»، «امثال قرآن»، «ترجمه و تفسیر قرآن» و «جمع و تدوین قرآن» ارتباطی نزدیک و تنگاتنگ دارد؛ به طوری که شناخت نزول قرآن، مقدمه و کلید شناخت این مباحث است و بدون آن، ماهیت و طبیعت این علمها شناخته نمی شود.

در این میان، مباحث علوم قرآنی، و از جمله دانش نزول قرآن با دو کاستی مهم روبه رو هستند؛ اول آن که قرآن مأخذ و منبع اصلی علوم قرآنی قرار نگرفته است؛ و اگر رجوعی به قرآن بوده از حدّ استشهاد فراتر نرفته است؛ دیگر اینکه این مباحث به دور از آموزه ها و تعالیم مکتب اهل بیت (علیهم السلام) که قرآن شناسان حقیقی هستند، تدوین شده اند.

این نوشتار می کوشد با رویکردی قرآنی و با توجه به تعالیم مکتب اهل بیت(ع) بحث نزول قرآن را بررسی کند.

خداوند سبحان در ارتباط با انتقال و رساندن قرآن از عرش الهی به پیامبراکرم(ص) واژگانی چند را برگزیده که عبارت اند از:

- انزال، نزول، یا تنزیل: «إنا انزلناه فی لیلة القدر»(قدر/۱)، «تنزیل الکتاب من الله العزیز الحکیم»(احقاف/۲)

- وحی: «و کذلک أوحینا إلیک قرآناً عربیاً»(شوری/۷)

- ایحاء، اتیان: «و لقد آتیناک سبعاً من المثانی و القرآن العظیم»(حجر/۸۷)

- القاء: «وإنتک لتلقى القرآن من لدن حکیم علیم»(نحل/۶)

- تعلیم: «الرحمن. علم القرآن»(رحمن/۲-۱)، «علمه شدید القوی»(نجم/۵)

- اقراء، قراءت: «سنقرئک فلاتنسی» (اعلی/۶)، «فإذا قرأناه فاتبع قرآنه»(قیامه/۱۸)

- تلاوت: «تلك آیات الله نتلوها علیک بالحق»(جاثیه/۶)

- ترتیل: «و قال الذین کفروا لولانزل علیه القرآن جملة واحدة کذلک لنثبت به فؤادک و رتلناه ترتیلاً»(فرقان/۳۲)

جدا از معانی لغوی و اصطلاحی این واژگان، همه آنها ترجمان همان رابطه ویژه و بی نظیر خداوند با بنده مکرمش، حضرت محمد(ص) در ارتباط با رساندن قرآن به قلب مبارک آن حضرت است؛ که در این میان، واژه نزول و مشتقات آن بیش از سایر واژه ها به کار رفته و از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است.

زمان نزول

خداوند حکیم، زمان نزول دفعی و یکپارچه قرآن را شب قدر، که همان «لیله مبارکه» است، اعلام می کند؛ که این شب در ماه رمضان قرار دارد:

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» قدر/ ۱
«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مَبَارَكَةٍ» دخان/ ۳
«شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن» بقره/ ۱۸۵
در روایتی از امام باقر(ع) ليله مبارکه همان «ليلة القدر» دانسته شده است. ۱

نزول قرآن در شب قدر از دیدگاه عالمان
در چگونگی نزول قرآن و مراد از نزول آن در شب قدر، دیدگاه های گونه گونی از سوی عالمان و
مفسران ارائه شده است؛ از جمله:

۱. برخی با استناد به آیاتی نظیر «و قرآناً فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه
تنزیلاً» (اسراء/ ۱۰۶) و اینکه آیات قرآن به تدریج و همگام با رویدادهای گوناگون در طول مدت رسالت
پیامبر اکرم(ص) نازل می شد، نزول دفعی و کامل قرآن در شب قدر را نمی پذیرند و شب قدر را تنها
زمان آغاز نزول تدریجی قرآن می دانند. ۲

۲. گروهی بر این باورند که کل قرآن در شب قدر از عرش الهی بر آسمان دنیا (پایین ترین
آسمانها) در جایگاهی به نام «بیت العزة» یا بر آسمان چهارم «بیت المعمور» نازل شد و از آنجا طی
رسالت پیامبر اکرم(ص) منجماً (به تدریج) بر ایشان نازل می شده است. ۳

۳. برخی گفته اند: قرآن در بیست یا بیست و سه شب قدر بر آسمان دنیا نازل شد؛ یعنی در شب
قدر هر سال، آن اندازه از قرآن که نیاز آن سال بوده، یکجا نازل شده و سپس همان آیات به تدریج در
طول سال، بر حسب مناسبتها و رویدادها، دوباره بر رسول اکرم(ص) نازل می شده است. ۴

۴. سید قطب در مقام تفسیر «شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن» توجیه دیگری آورده است مبنی
بر اینکه یا به معنای شروع نزول از ماه رمضان می باشد، یا بیانگر این است که بیشتر آیات قرآن در
ماه های رمضان نازل شده است. ۵

۵. از ضحاک بن مزاحم و سفیان بن عیینه، از مفسران تابعی، نقل شده است که مقصود از «انزل
فیه القرآن»، «انزل فی صومه القرآن» یا «انزل فی فضله القرآن» می باشد؛ یعنی رمضان ماهی است
که برای وجوب روزه در آن و در فضیلت و شأن آن، قرآن نازل شده است. ۶

۶. ابو عبدالله زنجانی آورده است در آن شب، روح قرآن که همان مقاصد کلی قرآن است، بر قلب
شریف رسول اکرم(ص) تجلی یافت. ۷

۷. شیخ صدوق معتقد است در شب قدر، خداوند علیم، علم همه قرآن را به نبی اکرم(ص) اعطا
کرد؛ و آن حضرت بر تمام آن عالم و آگاه شد؛ آن گاه به ایشان فرمود:

«و لاتعجل بالقرآن من قبل أن یقضی الیک وحیه» طه/ ۱۱۴

پیش از آن که وحی قرآن بر تو پایان پذیرد به قرآن شتاب مکن.

«لاتحرک به لسانک لتعجل به... ثم إن علینا بیانہ» قیامه/ ۱۶ - ۱۳

زبان خود را بدان مجنبن یا شتاب کنی... پس همانا بیان آن بر ماست.

علامه مجلسی در توضیح کلام شیخ صدوق می افزاید:

«هیچ استبعادی وجود ندارد که خداوند در آن شب، تمام قرآن را یکباره و یکپارچه بر رسول اکرم(ص) نازل کرده باشد تا ایشان بر آن آگاه و عالم شود و به ایشان دستور دهد که چیزی از این قرآن را بر مردم قرائت و تلاوت نکند تا اینکه هر قسمتی از آن در وقت معینی که مناسب ابلاغ و تبلیغ آن است و در پی هر رویداد مربوط، دوباره آیه به آیه و سوره به سوره نازل شود؛ آن گاه پیامبر(ص) اجازه دارد آن را بر مردم قرائت و تلاوت کند» ۸.

مرحوم مجلسی این نظر خود را جمع کننده میان آیات قرآن و روایات می داند.

قرآن در مرحله پیش از نزول

«تنزیل» یا «انزال» یا «نزول»، به هر حال گویای سرفصلی است که خواه ناخواه نشانگر یک مرحله پیش از نزول، و مرحله نزول و یک مرحله بعد از نزول می باشد؛ بنابر این می توان برای نزول قرآن این سه مرحله را در نظر گرفت.

بررسی آیات آغازین سوره ها - که بیشتر آنها ناظر به چگونگی نزول قرآن و اوصاف آن نظر دارد - ۹ نشان می دهد که قرآن پیش از نزول، نزد خداوند رحمان، در «امّ الكتاب» که همان «لوح محفوظ» و «کتاب مکنون» است، ۱۰ دارای اوصافی مانند: علی، مبین و حکیم بوده است:

«تلك آیات الكتاب المبين» شعراء/۲

«تلك آیات الكتاب و قرآن مبين» حجر/۲

«تلك آیات القرآن و كتاب مبين» نمل/۱

«يس. و القرآن الحكيم» يس/۱-۲

«تلك آیات الكتاب الحكيم» لقمان/۱

«و إنه في أم الكتاب لدينا لعلی حکيم» زخرف/۴

«كتاب أحکمت آیاته...» هود/۲

«ق. و القرآن المجید» ق/۱

سپس در مرحله نزول، این «قرآن حکیم» یا «کتاب مبین» تفصیل می یابد و حالات و اوصاف جدیدی به خود می گیرد که در این آیات آمده است:

«الر. کتاب أحکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکيم خبير» هود/۲

«کتاب فصلت آیاته قرآناً عربياً» فصلت/۳

«و قرآناً فرقناه...» اسراء/۱۰

«بلسان عربی مبين» شعراء/۱۰۵

بنابراین باید دید این «جعل»، «تفصیل»، «فرق» و دیگرسانی ۱۱ به چه علت و حکمتی صورت پذیرفته است؟ قرآن، هدف از این تفصیل را «قراءت»، «تلاوت»، «ابلاغ»، «تعقل»، «تذکر»، «شفا و رحمت»، «تعلّم»، «اتباع» و... می داند. ۱۲ حال، چرا قرآن حکیم پیش از تفصیل، قابل قراپدت و تلاوت نبوده است؟

علامه طباطبایی در این ارتباط، ذیل آیه ۳ و ۴ زخرف: «إنا جعلناه قرآناً عربياً لعلکم تعقلون. و إنه فی أمّ الكتاب لدينا لعلی حکيم» و آیات آغازین سوره یوسف و نیز آیه ۱۸۵ سوره بقره آورده است:

«ضمیر» در «جعلناه» و «انزلناه قرآناً عربياً» و «آته فی امّ الکتاب» به کتاب مبین برمی گردد، که در امّ الکتاب یا لوح محفوظ یا کتاب مکنون قرار دارد و تعقل و دریافت نمی شود.

«کتاب مبین» یا «قرآن مبین» در نزد خدا، «علی» است؛ یعنی بلند مرتبه و والا منزلت است به گونه ای که عقول، توان درک و دریافت آن را ندارند؛ و «حکیم» است؛ یعنی محکم و یکپارچه و حقیقتی به هم پیوسته و غیرمنفصل است، به گونه ای که به کلمات و جملات و آیات و سُور تبدیل و تفصیل نیافته است؛ یعنی اصلاً از جنس الفاظ و عبارات [بشری] نیست که بتواند قراءت و تلاوت شود تا در نتیجه، قابلیت دریافت و تعقل از سوی انسانها را داشته باشد.

بنابراین، ما این «کتاب مبین» یا همان اصل تفصیل نیافته و حقیقت یکپارچه قرآن را در مرحله تنزیل یا نزول، به الفاظ و عبارات عربی [مبین] تبدیل کردیم؛ یعنی آن را «خواندنی» و «خوانا» کردیم تا قابل قراءت و تلاوت و تعقل و دریافت از سوی شما انسانها باشد.

اگر این تبدیل و تفصیل در وحی [کتاب مبین، در مرحله نزول] در قالب الفاظ خوانده شده و خواندنی یا قرآن عربی مبین، از سوی خداوند حکیم انجام نمی شد، قوم تو - یعنی همه مردم - نمی توانستند آیات و اسرار آنها را دریافت و درک کنند؛ در آن صورت، دریافت و درک آن ویژه تو می شد، چرا که وحی و تعلیم آن به تو اختصاص داشت.

«کتاب مبین» اصل و مرجع و تأویل و ممثّل و حقیقت قرآن عربی مبین یا همان قرآن تفصیل یافته می باشد؛ که در شب قدر به صورت دفعی و یکپارچه بر قلب پیامبر اکرم(ص) نازل شد، و مقصد اصلی کتاب مبین به ایشان آموخته شد؛ همچنان که در نزول تدریجی، تفصیل یافته آن به صورت قرآن عربی مبین که بر همان حقیقت قرآن «کتاب مبین» تکیه دارد، بر قلب مبارک آن حضرت نازل شد. «۱۳»

نزول قرآن با همه اوصاف پیش و پس از نزول

تدبّر در آیات یادشده نشان می دهد که خداوند قدیر در شب قدر، قرآن را با همه اوصاف پیش از نزول و همه اوصاف پس از نزول، بر قلب مبارک پیامبر اکرم(ص) نازل نمود؛ یعنی هم عین آن قرآن حکیم یا کتاب مبین را که در امّ الکتاب بود، کامل و یکپارچه بر قلب آن حضرت نازل کرد:

«شهر رمضان الذی أنزل فیهِ القرآن... و الفرقان» بقره/۱۸۵

«نزلّ علیک الکتاب بالحق... وأنزل الفرقان» آل عمران/۳ - ۴

«هو الذی أنزل علیک الکتاب منه آیات محکّمات هنّ امّ الکتاب...» آل عمران/۷

«فأوحی إلی عبده ما أوحی» نجم/۱۰

که در میان عالمیان، از ازل تا ابد، فقط قلب مبارک خاتم پیامبران ظرفیت و توانایی پذیرش آن را داشت، ۱۴ و هم تفصیل یافته و فرقان شده آن را به صورت قرآن عربی مبین، که قراءت و تلاوت و تعقل و دریافت آن در توان همه انسانها می باشد، کامل و تمام بر قلب پیامبر اکرم(ص) نازل کرد و خواند:

«... و آخر متشابهات» آل عمران/۷

«کتاباً متشابهاً مثانی» زمر/۲۳

«تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده» فرقان/۱

«و هذا لسان عربي مبين» نحل/۱۰۳

«كتاب فصلت آياته قرآناً عربياً» فصلت/۳

«و كذلك أوحينا إليك قرآناً عربياً» شوری/۷

«إنا جعلناه قرآناً عربياً» زخرف/۳

«آنا أنزلناه قرآناً عربياً» (یوسف/۳)، تا رسول خدا(ص) آن قرآن تفصیل یافته و فرقان شده به آیات و سور را، به تدریج و با دستور و اذن خداوند حکیم به مردم ابلاغ کند؛ یعنی آنها را بر مردم قراءت و اقرار نماید:

«و قرآناً فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً».

در روایات، این مسأله با تعبیر گوناگونی نقل شده است؛ چنان که از پیامبر اکرم(ص) روایت شده است که:

«ألا و إني أوتيت القرآن و مثله معه.»

امام علی(ع) نیز می فرماید:

«هو [القرآن] كلام الله و تأويله لا يشبه بكلام البشر.» ۱۵

همچنین از امام باقر(ع) نقل شده است که:

«قد علمه الله جميع ما انزل عليه من التنزيل و التأويل.» ۱۶

و سرانجام در روایتی از امام صادق(ع) آمده است که:

«ان إبليس رنّ رنيناً لما بعث نبیه علی حین فترة من الرّسل و حین أنزلت امّ الكتاب.» ۱۷

تفصیل آیات و سور «کتاب مبین» به آیات و سور «قرآن عربی مبین» در شب قدر برای روشن تر شدن مطلب یادشده باید در این نکته دقت کرد که این عمل «تفصیل» و «فرق» کتاب مبین به قرآن عربی مبین، در همان شب قدر و در همان مرحله نزول یا تنزیل یا تلقین و تعلیم وحی انجام گرفت؛ یعنی چنین نبوده است که نخست در شب قدر، کتاب مبین بدون هیچ گونه تفصیلی نازل شود، و سپس در طول مدت رسالت پیامبر اکرم(ص) کتاب مبین، تفصیل یافته و به صورت الفاظ و عبارات عربی مبین، نازل و اقرا شود. چنان که در آیه یک سوره هود می خوانیم:

«الر. کتاب أحکمت آیاته ثمّ فصلت من لدن حکیم خبیر»

لفظ «ثمّ» در این آیه جانشین مرحله تفصیل آیات و سور کتاب مبین به صورت آیات و سور قرآن عربی مبین می باشد. هر چند علامه طباطبایی به نتیجه گیری بالا تصریح نکرده، اما ذیل این آیه تصریح می کند:

«لفظ ثمّ نشان می دهد که آنچه پس از آن می آید، از نظر ترتیب کلام، متأخر است، ولی از نظر

زمانی، متأخر نیست.» ۱۸

یعنی در همان وحی یا مرحله نزول یا تنزیل کتاب مبین، تفصیل نیز روی داد. به عبارتی دیگر، در دل وحی یا تنزیل، تفصیل و تعلیم و تلقین و اقرار و تلاوت نیز وجود دارد.

همچنان که علامه طباطبایی به این نکته مهم و اصولی اشاره نموده است:

«حقیقت وحی برای ما ناشناخته است؟ تنها برخی از آثار آن را که از آن جمله قرآن مجید می

باشد و پاره ای از اوصاف آن را که از راه نبوت به ما رسیده دیده و شنیده ایم؛ به طور اجمال آنچه

قرآن مجید در چگونگی وحی شدن خود توضیح می دهد این است که وحی این کتاب آسمانی با تکلیف و تلاوت و قراءت بوده «و ما کان لبشر أن یکلمه الله إلاّ وحياً» و خدای متعال با پیغمبر گرامی خود سخن گفته و آن حضرت با تمام وجود خود (نه تنها با گوش) سخن خدا را دریافته است. «۱۹ همچنین در روایتی از حضرت علی(ع) آمده است:

«هو [القرآن] کلام الله، و تأویله لایشبه کلام البشر کما لیس شیء من خلقه یشبهه، کذلک لایشبه فعله تعالی من افعال البشر و لاتشبه کلام الله بکلام البشر فتهلک و تضلّ». ۲۰

شیخ طوسی نیز اراده خداوند بر تحقق چیزی را به عین تحقق یافته آن می داند، به طوری که حتی تأخیری به اندازه ی فاصله زمانی گفتن عبارت «کن فیکون» رخ نمی دهد.

همچنین در آیه ۱۰۶ سوره اسراء می خوانیم:

«و قرأناً فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً»

آمدن تعبیر «فرقناه» بعد از «قرأناً» نشان می دهد که منظور از «قرأناً» قبل از نزول می باشد؛ بنابراین همه اوصاف «حکیم»، «مبین»، «احکمت آیاته» و... را دارد. اکنون این قرآن از سوی خداوند فرق فرق می شود؛ یعنی به آیات و سوره «قرآن عربی مبین» تفصیل می یابد تا رسول خدا(ص) آن را بر مردم به تدریج قراءت کند: «لتقرأه علی الناس علی مکث». طبرسی در مقام تفسیر این آیه به نقل از ابومسلم آورده است:

«أی و أنزلنا علیک یا محمد قرأناً فصلناه سوراً و آیات». ۲۱

حال این پرسش مطرح است که این عمل تفصیل و فرق شدن در چه زمانی انجام شد؟ قرآن می گوید: در «لیلۀ مبارکه» که همان شب قدر است. در شبی که هر امر محکم و حکیمی، فرق و تفصیل می یابد: «فیهما یفرق کلّ امر حکیم»، و از جمله امور محکم، قرآن حکیم است که در آن شب با نزولش، از مرحله احکام خارج شده و به صورت قرآن عربی مبین تفصیل یافت. ۲۲

علامه طباطبایی نیز در مقام تفسیر این آیه می نویسد:

«این آیه معطوف بر آیه پیش است: «و بالحقّ أنزلناه و بالحقّ نزل»؛ یعنی «أنزلناه بالحق و فرقناه قرأناً»؛ و «فرقناه» را به «فصلناه و نزلناه آیه آیه و سوره سوره» معنی می کند. ۲۳

با توجه به معنای «بالحق» و «قرأناً» می توان دریافت که در شب قدر، کتاب مبین بالحق یعنی کامل و صحیح، بدون هیچ گونه عیب و کاستی نازل شد و به آیات و سوری خواندنی و خوانا و در عین حال روشن و واضح تفصیل یافت.

از سوی دیگر، قرآن تصریح دارد که آن کتاب مبین با قرآن حکیم که در نزد خداوند عزیز حکیم «لدینا» در لوح محفوظ قرار دارد، آن هم مشتمل بر آیات و سوره می باشد:

«تلك آیات الكتاب المبین، تلك آیات القرآن و کتاب مبین؛ تلك آیات الكتاب و قرآن مبین؛ تلك آیات الكتاب الحکیم، کتاب احکمت آیاته ثم فصلت؛ سوره أنزلناها و فرضناها و انزلنا فیهما آیات بینات لعلکم تذکرون» درست است که «کتاب مبین» یا «کتاب حکیم» در مرحله پیش از نزول، در «امّ الكتاب»، وصف «علی» و «حکیم» را داشت؛ ولی باز هم دارای آیه و سوره است؛ آیات و سوره، به گونه خودش، با همان سنخیت محکم بودنش از یکدیگر متمایز بودند؛ یعنی کتاب مبین، مجمل و خلاصه نبوده؛ بلکه چون از جنس کلام بشر نبود «لایشبه بکلام البشر» گوش و قلب انسانها توان دریافت و تعقل مستقیم آن را نداشتند. بنابراین، آیات و سوره «کتاب مبین» تنزیل و تفصیل یافت و به

صورت آیات و سُور «قرآن عربی مبین» درآمد تا متناسب با گوش و قلب و زبان تمام انسانها شود و در نتیجه قابلیت قراءت و دریافت از سوی انسانها را داشته باشد.

بنابراین، آیات و سور قرآن عربی مبین، متناظر و متشابه و هم طراز آیات و سور «قرآن حکیم» در امّ الکتاب می باشند؛ و این دو تنها در وصف تفاوت دارند؛ آنجا وصف «حکیم و احکام» را داشت و اینجا وصف «تفصیل» را؛ و این تغییر حالت و وضعیت، همگی از سوی خداوند حکیم و با علم و آگاهی انجام گرفت: «فصلناه علی علم» (اعراف/۵۲) تا قرآن از طریق اقراء و قراءت تدریجی و پیوسته در قلب مخاطبان خود قرار گیرد.

بدین گونه قراءت قرآن از سوی خداوند کریم در همان شب قدر و با تعلیم و اقراء همه قرآن بر قلب پیامبر اکرم(ص) بنیاد نهاده شد و خداوند به عنوان نخستین مقرر و معلّم قرآن، همه قرآن را لفظ به لفظ، آیه به آیه و سوره به سوره بر پیامبر به عنوان اولین فراگیرنده قرآن، نازل فرمود ۲۴؛ و پیامبر اکرم(ص) در مقام فراگیری آن چنان قرآن و قراءت آن را فرا گرفت که هیچ گاه و به هیچ روی فراموش نکرد. «سنقرئک فلا تنسی». البته کیفیت آن حال و مقام، جز برای شخص رسول خدا(ص) مکشوف نخواهد افتاد ۲۵، چنان که امام خمینی(ره) در این باره می فرماید:

«در ماه مبارک رمضان، در لیلۃ القدر، قرآن بر قلب رسول اکرم(ص) نازل شد؛ ولی، کیفیت وحی و نزول قرآن و کیفیت گرفتن قرآن از وحی الهی توسط رسول اکرم(ص) از اموری است که ابعاد و ماهیت آن الی الابد برای امثال ما انسانها در ابهام و سر بسته باقی خواهد ماند، و برای احدی غیر از خود رسول اکرم حقیقتش حاصل نشده است.» ۲۶

به بیانی دیگر، در آن شب، خداوند رحمان تمام قرآن را که واحد و یگانه بود ۲۷، در قالب آیه و سوره با الفاظ و واژگانی معلوم و مسجل، و ساختاری معین و منظم و در عین حال، مستحکم و استوار، در اختیار رسول اکرم(ص) قرار داد؛ تا پیامبر اکرم(ص) از همان آغاز رسالت، از آگاهی و دید کلی نسبت به تمام فراز و نشیبهای دوران رسالتش برخوردار باشد و آیات و سور قرآن را که به تدریج و به مناسبت مصالح، رویدادها و مسائل دوران رسالت، دوباره برایشان اقرا و قراءت می شود: «فإذا قرأناه فاتبع قرآنه» بر مردم بخواند، و آن را با توجه به آن قرآن حکیم در امّ الکتاب، برای مردم تبیین نماید، و با برنامه ای مدوّن و منسجم، نظام آموزشی قرآن را روشمند و هدفمند در جهت بنیانگذاری قراءت و کتابت قرآن کریم و دست یابی به اهداف نزول، تعیین و تبیین و بنیان نهد. ۲۸ همچنان که مفضل بن عمر می گوید:

«به مولایم امام صادق(ع) گفتم: این آیات را «شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن، إنّنا أنزلناه فی لیلۃ القدر، إنّنا کنّا منذرین، فیها یفرق کلّ امر حکیم، أمراً من عندنا إنّنا کنّا مرسلین، لولا نزلّ علیه القرآن جملةً واحدةً کذلک لنتبّت به فؤادک» که شما بر من قراءت کردید، بیانگر تنزیل قرآن می باشد که خداوند در کتابش از آن یاد کرده است. حال، چگونه وحی در مدت ۲۳ سال ظاهر شد؟ امام(ع) فرمود:

«نعم یا مفضلّ؛ أعطاه الله القرآن فی شهر رمضان و کان لایبّغّه إلّا فی وقت استحقاق الخطاب و لایؤدّیه إلّا فی وقت أمر و نهی، فهبط جبرئیل بالوحی، فبلّغ ما یؤمر به، و قوله: لاتحرّک به لسانک لتعجل به.» ۲۹

یعنی خداوند، همه قرآن را در ماه رمضان [در شب قدر] به پیامبر اکرم(ص) عطا کرد، ولی آن حضرت هیچ گاه و به هیچ روی بدون اذن وحی الهی، قرآن را بر کسی ابلاغ نکرد؛ بلکه منتظر آمدن جبرئیل و ابلاغ اذن الهی بود، تا آن مقدار از آیاتی را که مأمور به ابلاغ آن می شد به مردم ابلاغ کند؛ که این ابلاغ، همگام و هم زمان با رویدادها و مناسبت‌هایی بوده است که شایستگی خطاب و ابلاغ را داشته است. چنان که آیه «لاتحرک به لسانک لتعجل به» به همین نظر دارد.

با این حال، همواره این سؤال وجود داشته که چگونه ممکن است، بسیاری از آیات قرآن که مربوط به رویدادهایی است که در آینده رخ می دهد، در نزول دفعی قرآن و پیش از روی دادن آنها نازل شده باشد؟ در پاسخ می توان گفت: مجهول بودن رخدادهای آینده در مورد ما آدمیان در عالم طبیعت صادق است، ولی نسبت به خداوند عالم به همه امور هستی و مدبر آن، مقایسه زمان گذشته و آینده بی معنی است؛ و به بیانی دیگر، تمام آنچه که قرار است اتفاق بیفتد در علم خدا گذشته است؛ چنان که می فرماید:

«و عنده مفاتيح الغيب لا يعلمها إلا هو و يعلم ما في البرّ و البحر و ما تسقط من ورقه إلا يعلمها و لاجبة في ظلمات الأرض و لارطب و لا يابس إلا في كتاب مبين»

انعام/۵۴

و در آیه دیگر می فرماید:

«هو الذي لا اله إلا هو عالم الغيب و الشهادة» ص/۲۲

همچنین در روایتی از پیامبر اکرم(ص) آمده است که خداوند تعالی هزار سال پیش از آفرینش آسمانها و زمین برخی از سوره ها را خوانده و فرشتگان شنیده اند. ۳۰

۱. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، الصافی فی تفسیر القرآن، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲، ۴۱/۱؛ برای مطالعه زمان و مکان نزول دفعی و یکپارچه قرآن و حالات پیامبر اکرم(ص) در هنگام مشاهده نزول با شکوه قرآن و دریافت عالمانه آن، ر.ک: سوره قدر؛ سوره تین، آیات ۱ تا ۳، سوره نجم آیات ۱ تا ۱۸؛ سوره طور آیات ۱ تا ۴؛ سوره دخان آیات ۳ و ۴؛ سوره شوری آیه ۵؛ سوره اسراء آیه ۱؛ سوره انفال آیه ۴۱؛ سوره بقره آیه ۱۸۵.

۲. ر.ک: معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم، انتشارات التمهید، ۱۳۷۸، ۶۵.

۳. ر.ک: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، به کوشش مصطفی دیب البغاء، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر، ۱۹۹۶م، ۱۲۹/۱ و ۱۳۰.

۴. همان، ۱/۱۳۱.

۵. سید قطب، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، ۱۷۱/۱.

۶. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالمعرفة، ۱۹۰/۱.

۷. زنجانی، تاریخ القرآن، ۳۸ - ۳۹.

۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعة لدرر الاخبار الاثمة الاطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۸/ ۲۵۴-۲۵۰.
۹. ر.ک: لسانی فشارکی، محمدعلی، علم محکم و متشابه (جزوه درسی علوم قرآنی)، تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۷۶ش.
۱۰. ر.ک: طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دارالکتب الاسلامیه، ۱۵/۲.
۱۱. علامه طباطبایی در معنای تفصیل آورده است:
«التفصیل یقابل الاحکام، و المراد بتفصیل آیات القرآن تمييز أبعاضه بعضها من بعض بانزاله إلى مرتبة البیان، بحيث یتمکن السامع العارف بأسالیب البیان من فهم معانیه و تعقل مقاصده.» (المیزان، ۱۷/ ۳۸۱)
- فَرق را نیز به جدا کردن چیزی از چیز دیگر، به طوری که از یکدیگر متمایز شوند، معنی کرده اند. (همان، ۱۳۸/۱۸)
۱۲. ر.ک: اسراء/۸۲ و ۱۰۶، عنکبوت/۵۱، جمعه/۲، ابراهیم/۵۲، مائده/۶۷، زخرف/۳، طه/۳، دخان/۵۸، آل عمران/۱۶۴، بقره/۱۲۹، انعام/۱۵۵.
۱۳. طباطبایی، المیزان، ۱۳/۲-۱۶؛ ۱۱/ ۸۰؛ ۱۸/۸۶ - ۸۷ و ۱۳۸ - ۱۳۹.
۱۴. چنان که در روایتی از امام هادی(ع) آمده است:
«... ینظر [محمد(ص)]... الی انواع عجائب رحمته و بدائع حکمته، و ینظر الی أکناف السماء و أقطار الارض... فیعتبر بتلك الآثار، و یتذکر بتلك الآیات، و یعبد الله حقّ عبادته، فلما استكمل اربعین سنه و نظر الله عزوجل الی قلبه فوجده أفضل القلوب و أجلّها و أطوعها و أخشعها و أخذعها، أذن لأبواب السماء ففتحت و محمد ینظر إليها[؟] و أذن للملائكة فنزلوا و محمد ینظر الیهم، و أمر بالرحمة فأنزلت علیه من لدن ساق العرش الی رأس محمد و غرته... فأراد الله عزوجلّ أن یشرح صدره و یشجع قلبه، فأنطق الله الجبال و الصخور و المدر، و کَلّمَا وصل الی شیء منها ناداه «السلام علیک یا رسول الله» ابشر فإنّ الله عزوجلّ قد فضّلک و جمّلک و زینک و أکرّمک فوق الخلائق أجمعین من الأولین و الآخرین» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۸/۲۰۵-۲۰۶).
۱۵. مجلسی، محمد باقر، بحارالأنوار، ۱۰۷/۹۲.
۱۶. عیاشی، التفسیر، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، ۱۶۴/۱.
۱۷. مجلسی، محمد باقر، بحارالأنوار، ۱۷۹/۱۸؛ رَنّ □ ناله زد، فغان کرد، فریاد کشید.
۱۸. طباطبایی، المیزان، ۱۴۲/۱۰.
۱۹. طباطبایی، قرآن در اسلام، تهران، دفترانتشارات اسلامی، ۱۳۷۳ش، ۱۰۰-۱۰۱؛ همو، المیزان، ۴/۱۰.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ۱۰۷/۹۲.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۴ش، ۵/ ۶۸۷.
۲۲. طباطبایی، المیزان، ۱۳۸/۱۸-۱۴۰.
۲۳. همان، ۱۳/۱۲۰.

۲۴. چنان که راوی از پیامبر اکرم(ص) نقل می کند که فرمود: «ما نزل علی القرآن إلا آیه آیه و حرفاً حرفاً.» (حلبی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، انسان العیون فی سیره الامین المأمون، بیروت، المكتبة الاسلامیة، ۱/۲۶۰).

۲۵. لسانی فشارکی، محمدعلی، مقاله «اعلی»، دائره المعارف بزرگ اسلامی، جلد نهم.

۲۶. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قرآن، کتاب هدایت، از دیدگاه امام خمینی(ره)، ۱۳۷۷ش، ۷۷، ۸۱ و ۸۹.

۲۷. اشاره به حدیث امام صادق(ع) است که فرمود: «نزل القرآن علی حرف واحد من عند الواحد»؛ (کلینی، اصول کافی، ۲/۳۶۰).

۲۸. بنابراین می توان گفت که مهم ترین و اساسی ترین هدف و حکمت تنزیل و ابلاغ تدریجی قرآن در طول رسالت پیامبر اکرم(ص)، اقرار و قراءت تدریجی و پیوسته آیات قرآن، و فراهم آوردن زمینه های تعلیم و تعلم آسان و روان، و ترویج و تثبیت قراءت قرآن در جهت بنیانگذاری تدریجی قراءت آن توسط پیامبر اکرم(ص) در میان مردم که مقصد نهایی نزول قرآن هستند، می باشد؛ زیرا: اولاً، همه اهداف و حکمتهای نزول جز با اقرار و قراءت تدریجی آیات از سوی پیامبر اکرم(ص) و فراگرفتن تدریجی و قراءت پیوسته آیات قرآن توسط مردم، تحقق نمی یابند؛ ثانیاً، به جز شخص رسول خدا(ص)، هیچ انسان دیگری نمی تواند همه قرآن را به یکباره و یکپارچه فرا گیرد؛ ثالثاً، از آنجا که قرآن از آن همه انسانها در همه زمانها و مکانها با همه تنوع و گوناگونی زبانها، لهجه ها، نژادها، فرهنگها و سلیقه ها می باشد، پیامبر اکرم(ص) بتواند ضمن بنیانگذاری تدریجی قراءت قرآن، ماهیت قرآن را تبیین نموده، نظام احسن آموزشی - ترویجی آن را همراه با تعیین و تبیین اصول و اسلوب آموزش و عینیت بخشیدن به روشها و شیوه های عملی آن، پی ریزی، ترویج و تثبیت نماید. (برای مطالعه این نظام آموزشی، ر.ک: محمدعلی لسانی فشارکی و دیگران، طرح پژوهشی آموزش زبان قرآن موجود در مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۷۹؛ محسن رجبی، بررسی بنیانگذاری قراءت و کتابت قرآن کریم توسط پیامبر اکرم(ص)، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق(ع) ۱۳۸۱.

۲۹. علوم القرآن عند المفسرین، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۶ق، ۱/۲۴۱.

بدین ترتیب شناخت ما از دانشهایی چون «ناسخ و منسوخ»، «محکم و متشابه»، «اسباب نزول»، «زبان قرآن» و «امثال قرآن»، شناختی اصولی و کامل نیست.

بنابراین، خواننده گرامی نیز، تاکنون به این نتیجه رسیده است که تمامی روایات و گزارشهایی که به نوعی بیانگر این مطلبند که پیامبر اکرم(ص) در هنگام بعثت، دچار شک و تردید و ترس و وحشت شده، و در هنگام دریافت وحی الهی، از ترس فراموشی آنها را تندتند تکرار می کرده است و خداوند با آیه «لا تحرك به لسانك لتعجل به» ایشان را از این عمل نهی و منع کرد، همگی ساقط اند، و به نظر می رسد که این گونه روایات و گزارشها در جهت تخریب شخصیت و نبوت خاتم پیامبران ساخته و پرداخته شده است.

۳۰. فیض کاشانی، المحجّة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، به کوشش علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، ۲/۲۱۰.

